

آیا شبکه‌های اطلاع‌رسان مجازی بستر وقوع جرایم هستند؟

جرم آنلاین



مهرنوش گر کانی - **شهرود حقوقی** | امروزه گسترش و شیوع وسایل ارتباط جمعی یا رسانه‌های گروهی به‌حدی است که عصر ما عصر ارتباطات نامیده شده است و بعضی آن را یکی از نهادهای اجتماعی شمرده‌اند. در بسیاری از موارد خواندن روزنامه، گوش کردن رادیو و تماشاکردن تلویزیون به‌صورت عادت درآمده است و به‌عنوان یک نیاز محسوب می‌شود. حال سال‌هاست نوبت به موبایل‌های هوشمند رسیده است. برنام‌هایی که روی این موبایل‌های هوشمند نصب می‌شوند دیگر تقریباً ما را از حضور تلویزیون و رادیو بی‌نیاز کرده‌اند. برنام‌هایی که ویدیوها و موسیقی‌های مختلف را توسط آنها می‌بینیم و می‌شنویم و از اخبار مربوط به دنیای لحظه‌مطلع می‌شویم.

وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل ایجاد تغییرات در جوامع بشری به جامعه و افراد آن کمک می‌کند تا در مسیر و خط‌مشی معین خود موفق‌تر و با آگاهی و اطلاعات بیشتری حرکت کرده و روند مشارکت اجتماعی را تسریع شود و در چگونگی تعامل متقابل شهروندان تأثیر گذاشته و کنش‌ها و واکنش‌ها را جهت‌دار و متناسب با دیگر ابعاد جامعه بسازد. از سوی دیگر اهمیت روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و دیگر رسانه‌ها برای حاکمیت به‌لذره‌ای است که دولت‌های جهان تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا از این وسایل برای تحکیم و تثبیت حاکمیت خود بهره‌برند.

کمک‌های نرم‌افزارهای پیام‌رسان را نادیده نگیریم

حضور فضای مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان در ایجاد فرهنگ‌سازی و رساندن سریع اطلاعات به مردم بسیار کمک کرده است. همین نکته که سطح اطلاعات اجتماعی مردم با همین نرم‌افزارها بالا رفته و در ایجاد سواد اجتماعی بی‌شمار مردم کمک کرده است، نکته‌ای بسیار مثبت برای حضور این نرم‌افزارها در سطح جامعه است. شاید هیچ‌کدام از ما حتی به ذهن‌مان هم نمی‌رسید که روزی ممکن است پذیریزگها و مادر بزرگ‌های مسان به‌راحتی بتوانند از تلفن‌های هوشمند استفاده کنند و تا این حد پیگیر خبرها و اتفاقات روز از طریق این نرم‌افزارهای پیام‌رسان باشند. هیچ‌گاه نمی‌توان کمک‌هایی را که این نرم‌افزارها در حق جامعه و بیشتر شدن سواد اجتماعی مردم کرده‌اند، نادیده گرفت، اما همیشه کلاهبردان و سوءاستفاده‌گرانی هستند که با یاب شدن هر چیزی در اجتماع به دنبال برنام‌ه‌ریزی برای سوءاستفاده و کلاهبرداری از مردم باشند.

حسام عباسی، حقوق‌دان و مدرس دانشگاه در خصوص حضور پررنگ شبکه‌های پیام‌رسان در زندگی مردم و وقوع جرم در آنها به «شهرود» گفت: بنابر آمارهای منتشر شده ۷۵ درصد کاربران تلگرام ایرانی هستند و در صد بسیار قابل توجهی از پنهانی باند اینترنت کشور صرف این نرم‌افزار می‌شود، بنابراین باید عنوان کرد نرم‌افزار تلگرام موجبی جهت وقوع برخی از جرایم علیه افراد است و همان‌طور که روزانه مشاهده می‌کنیم افراد بسیار زیادی از اوقات فراغت خود را صرف گذراندن در کانال‌ها و گروه‌های این نرم‌افزار محبوب می‌کنند تا جایی که این محیط رقیبی جدی برای دیگر رسانه‌ها مطرح شده است و حتی آمارهای تکان‌دهنده‌ای که در خصوص ارتکاب جرم در این موارد گزارش می‌شود، تهدیدی بسیار جدی در جهت کمرنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به خانواده‌ها و طریق جریان‌های ضد فرهنگی و ضد اخلاقی است.

این حقوق‌دان درباره روش‌های صحیح استفاده از این نرم‌افزارها گفت: «در فضای مجازی و اسب‌ب‌های آن موضوعی است که در تمامی جوامع موضوعیت داشته و محدود به جوامع اقلیت‌های خاص و گروه‌سنی خاص نمی‌شود. براساس آمارهای جهانی در ۱۲ ثانیه یک نفر در جهان قربانی فضای مجازی می‌شود، در همین موضوع ایجاب می‌کند که افراد پیش از ورود به این فضا و فعالیت در آن در گام نخست اطلاعات کلی ا کسب کرده باشند. به عبارت دیگر، توجه به این آمارها به خوبی گویای آن است که فعالیت در شبکه‌های مجازی از جمله تلگرام می‌تواند مشکلات و مخاطرات متعددی به دنبال

داشته باشد، مخاطراتی که برای جلوگیری از مواجهه با آنها در گام نخست لازم است که کاربر اطلاعات کلی را در این زمینه به‌منظور پیشگیری از جرم و برده‌دگی داشته باشد.

جرایم رایانه‌ای در فضای مجازی

بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات هر کس به قصد ضرزردن به دیگران یا تشویش اذهان عمومی اقدام به بیان اکاذیب کند، مجرم محسوب می‌شود. نشر اکاذیب از جرایم مطلق است و تحقق آن موکول به وقوع نتیجه ضرر یا تشویش نیست. در اظهار اکاذیب اعمال معینی به شخص یا اشخاص نسبت داده نمی‌شود، بلکه اخبار یا مطالب بی اساس به‌طور کلی اظهار می‌شود. عنوان نشر اکاذیب یا اشاعه اکاذیب بر گرفته از متن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و شامل هر دو مصداق اعمال مجرمانه جرم یعنی اظهار اکاذیب و جرم انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران است. به موجب ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی «هر کس به قصد اضرا یا تشویش اذهان عمومی یا مقالات رسمی به وسیله نامه یا شکوایه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند یا با همان مقاصد اعمال برخلاف حقیقت را به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حسب آن دو ماه تا دوسال یا ششلاق تا ۲۴ ضربه محکوم شود.» اظهار کردن را قانون گذار به‌عنوان رفتار مرتکب شرط وقوع جرم دانسته که اظهار کردن در مفهوم متداول، مترادف گفتن است، ولی در لغت به‌معنای فاش کردن، آشکار کردن، بیان کردن و گفتن است که بیشتر معنای آشکار و فاش کردن مدنظر مقنن بوده است، بنابراین

ظاهر یا علنی شدن کذب ضروری است، به‌طوری که آنها در گام نخست لازم است که کاربر اطلاعات کلی را در این زمینه به‌منظور پیشگیری از جرم و برده‌دگی داشته باشد.

بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات هر کس به قصد ضرزردن به دیگران یا تشویش اذهان عمومی اقدام به بیان اکاذیب کند، مجرم محسوب می‌شود. نشر اکاذیب از جرایم مطلق است و تحقق آن موکول به وقوع نتیجه ضرر یا تشویش نیست. در اظهار اکاذیب اعمال معینی به شخص یا اشخاص نسبت داده نمی‌شود، بلکه اخبار یا مطالب بی اساس به‌طور کلی اظهار می‌شود. عنوان نشر اکاذیب یا اشاعه اکاذیب بر گرفته از متن ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و شامل هر دو مصداق اعمال مجرمانه جرم یعنی اظهار اکاذیب و جرم انتساب اعمال خلاف حقیقت به دیگران است. به موجب ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی «هر کس به قصد اضرا یا تشویش اذهان عمومی یا مقالات رسمی به وسیله نامه یا شکوایه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار کند یا با همان مقاصد اعمال برخلاف حقیقت را به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریح یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حسب آن دو ماه تا دوسال یا ششلاق تا ۲۴ ضربه محکوم شود.» اظهار کردن را قانون گذار به‌عنوان رفتار مرتکب شرط وقوع جرم دانسته که اظهار کردن در مفهوم متداول، مترادف گفتن است، ولی در لغت به‌معنای فاش کردن، آشکار کردن، بیان کردن و گفتن است که بیشتر معنای آشکار و فاش کردن مدنظر مقنن بوده است، بنابراین

ظاهر یا علنی شدن کذب ضروری است، به‌طوری که آنها در گام نخست لازم است که کاربر اطلاعات کلی را در این زمینه به‌منظور پیشگیری از جرم و برده‌دگی داشته باشد.

گوناگون به دنبال سوءاستفاده از دیگر شهروندان هستند. به‌عنوان مثال انتشار عکس‌های خصوصی در پروفایل مخاطبان می‌تواند این فرصت را به سوجدویان بدهد که با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند فتوشاپ آن را روی عکس‌های غیر اخلاقی قرار دهند و سپس با انواع شگردها و انتشار آن فرد را تحت فشار و مورد اخذی قرار دهند. همچنین سرقت تلفن همراه و استفاده از نرم‌افزارهای هک تلفن کار را برای سوءاستفاده‌گران راحت‌تر کرده است. انحرافات اخلاقی، برهم خوردن کانون وجدانی و تشوین می‌شوند.

این حقوق‌دان درباره سهیل‌نگاری افراد در هنگام واگذاری سیم کارت توضیح داد: در صد قابل توجهی از جرایم رخ‌ده در تلگرام به دلیل سهیل‌نگاری یا عدم‌اطلاعات کافی در خصوص چگونگی حفظ حریم شخصی است و اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی بخشی از فرآیند پیشگیری اجتماعی است. به‌عنوان مثال بعد از واگذاری و انتقال سیم کارت به شخص ثالث با توجه به این که اطلاعات کلی شخص در تلگرام باقی می‌ماند، انجام نمی‌دهیم. مجرمان را هم که دستگیر می‌کنیم و بسزای اعمال شان می‌رسایم تا حد کافی رسانه‌ای نمی‌کنیم تا برای دیگران درس عبرت شود. باید این را در نظر داشته باشیم که رویه‌ور شدن با امکانات و ابزار جدید در همه جای دنیا وجود دارد و خود را از پیش برای آنها آماده کنیم. در واقع باید بتوانیم همیشه یک قدم جلوتر از آن باشیم. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که در همه‌جای دنیا سوءاستفاده‌گران بسیار زیادند و همیشه به دنبال موقعیت می‌گردند تا از سادگی مردم سوءاستفاده کنند.

رسانه‌ای نمی‌کنیم تا برای دیگران درس عبرت شود. باید این را در نظر داشته باشیم که رویه‌ور شدن با امکانات و ابزار جدید در همه جای دنیا وجود دارد و خود را از پیش برای آنها آماده کنیم. در واقع باید بتوانیم همیشه یک قدم جلوتر از آن باشیم. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که در همه‌جای دنیا سوءاستفاده‌گران بسیار زیادند و همیشه به دنبال موقعیت می‌گردند تا از سادگی مردم سوءاستفاده کنند.

گوناگون به دنبال سوءاستفاده از دیگر شهروندان هستند. به‌عنوان مثال انتشار عکس‌های خصوصی در پروفایل مخاطبان می‌تواند این فرصت را به سوجدویان بدهد که با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند فتوشاپ آن را روی عکس‌های غیر اخلاقی قرار دهند و سپس با انواع شگردها و انتشار آن فرد را تحت فشار و مورد اخذی قرار دهند. همچنین سرقت تلفن همراه و استفاده از نرم‌افزارهای هک تلفن کار را برای سوءاستفاده‌گران راحت‌تر کرده است. انحرافات اخلاقی، برهم خوردن کانون وجدانی و تشوین می‌شوند.

این حقوق‌دان درباره سهیل‌نگاری افراد در هنگام واگذاری سیم کارت توضیح داد: در صد قابل توجهی از جرایم رخ‌ده در تلگرام به دلیل سهیل‌نگاری یا عدم‌اطلاعات کافی در خصوص چگونگی حفظ حریم شخصی است و اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی بخشی از فرآیند پیشگیری اجتماعی است. به‌عنوان مثال بعد از واگذاری و انتقال سیم کارت به شخص ثالث با توجه به این که اطلاعات کلی شخص در تلگرام باقی می‌ماند، انجام نمی‌دهیم. مجرمان را هم که دستگیر می‌کنیم و بسزای اعمال شان می‌رسایم تا حد کافی رسانه‌ای نمی‌کنیم تا برای دیگران درس عبرت شود. باید این را در نظر داشته باشیم که رویه‌ور شدن با امکانات و ابزار جدید در همه جای دنیا وجود دارد و خود را از پیش برای آنها آماده کنیم. در واقع باید بتوانیم همیشه یک قدم جلوتر از آن باشیم. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که در همه‌جای دنیا سوءاستفاده‌گران بسیار زیادند و همیشه به دنبال موقعیت می‌گردند تا از سادگی مردم سوءاستفاده کنند.

رسانه‌ای نمی‌کنیم تا برای دیگران درس عبرت شود. باید این را در نظر داشته باشیم که رویه‌ور شدن با امکانات و ابزار جدید در همه جای دنیا وجود دارد و خود را از پیش برای آنها آماده کنیم. در واقع باید بتوانیم همیشه یک قدم جلوتر از آن باشیم. البته این را هم باید در نظر داشته باشیم که در همه‌جای دنیا سوءاستفاده‌گران بسیار زیادند و همیشه به دنبال موقعیت می‌گردند تا از سادگی مردم سوءاستفاده کنند.

اطاله دادرسی، بلای جان دستگاه قضا

مدنی پیش‌بینی شده است، ولی قانون مذکور نیز نسبت به این سوال پاسخی ندارد و در بین حقوق‌دانان نیز در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که با عدم تأیید دستور موقت از جانب رئیس حوزه قضایی، دستور موقت صادره اعتبار خود را از دست نمی‌دهد و شعبه صادر کننده دستور موقت می‌تواند با رفع نقایص یا تغییر شرایط مجدداً برنده را به نظر رئیس حوزه قضایی برساند، ولی در مقابل نظریه فوق می‌توان استدلال کرد که با عدم تأیید رئیس دیوان عدالت اداری، دستور موقت صادره اعتباری نخواهد داشت. زیرا اعتبار دستور موقت بر این است که قابلیت اجرایی داشته باشد و چنانچه دستور موقت به لحاظ عدم تأیید رئیس دیوان قابل اجرا نباشد، فاقد اعتبار است.

عدم تأیید دستور موقت از جانب رئیس دیوان عدالت اداری شامل موارد ذیل می‌شود:

(الف) رئیس دیوان مطلقاً موضوع را از مصادیقی که قابلیت صدور دستور موقت داشته باشد، تشخیص نمی‌دهد که در این گونه موارد با عدم تأیید وی اعتبار دستور موقت صادره از بین می‌رود و شعبه تجدیدنظر حق ندارد مجدداً نسبت به همان موضوع دستور موقت صادر کند و به نظر ایشان برساند.

(ب) عدم تأیید دستور موقت توسط رئیس دیوان ناشی از عدم احراز برخی از شرایط صدور دستور موقت در حال حاضر است مانند عدم احراز فوریت، به‌عنوان مثال شاکه به موجب رأی کمیته نظیابطی دانشجویان به محکومیت یک‌ونیم‌سال تحصیلی قابل اجرا از نیمسال نخست سال ۹۳-۱۳۹۲ محکوم شده و تاریخ رسیدگی موضوع پرداخت ماهه سال ۱۳۹۲ یعنی چهار ماه قبل از تاریخ اجرای حکم است، بنابراین در این قبیل موارد فوریت صدور دستور موقت احراز نشده و رئیس دیوان آن را تأیید نکرده است. در این گونه موارد با تحقق شرایط جدید مثلاً با فرارسیدن ماه مهر

خسارت وارده محکوم خواهد شد. بدیهی است تکلیف به اجرای دستور موقت منوط به ابلاغ آن است و ابلاغ به یکی از طرق مذکور در ماده ۶۲ قانون دیوان به عمل می‌آید.

دستور موقت در شعب تجدیدنظر

بهموجب ماده ۷۲ قانون دیوان تقاضای دستور موقت در مرحله تجدیدنظر نیز پیش‌بینی شده است. با این تفاوت که تقاضای دستور موقت صادره در مرحله تجدیدنظر در صورت تأیید رئیس دیوان قابل اجرا خواهد بود، حال آن که همان‌طور که گذشت این شرط نسبت به دستور موقت صادره از شعب بدوی پیش‌بینی نشده است که این امر قابل انتقاد به نظر می‌رسد. تفاوت دستور موقت صادره از شعب بدوی و شعب تجدیدنظر مشخص نبوده و معلوم نیست براساس چه مبنای حقوقی دستور موقت صادره از شعب تجدیدنظر جهت اجرا نیاز به تأیید رئیس دیوان دارد، اما در مرحله بدوی چنین شرطی پیش‌بینی نشده است. اگر این مالک را بپذیریم که اجرای دستور موقت با تأیید رئیس دیوان مغایر استقلال قضات است، در خصوص قضات تجدیدنظر نیز این امر مصداق دارد و تفاوت بین دستور موقت صادره از شعب بدوی که با نظر یک قاضی صادر می‌شود یا دستور موقت صادره از شعب تجدیدنظر که حداقل با نظر دو قاضی صادر می‌شود، موجه به‌نظر نمی‌رسد.

نکته‌ای که در این خصوص قابل ذکر است این که چنانچه رئیس دیوان با اجرای دستور موقت موافقت و آن را تأیید کند، دستور موقت قابل اجرا بوده، اما اگر رئیس دیوان با اجرای دستور موقت موافقت و آن را تأیید نکند، تکلیف چیست و دستور موقت صادره چه خواهد شد؟ قانون فعلی دیوان در پاسخ به این سوال ساکت است.

این موضوع با وجود آن که در ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور

مدنی پیش‌بینی شده است، ولی قانون مذکور نیز نسبت به این سوال پاسخی ندارد و در بین حقوق‌دانان نیز در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که با عدم تأیید دستور موقت از جانب رئیس حوزه قضایی، دستور موقت صادره اعتبار خود را از دست نمی‌دهد و شعبه صادر کننده دستور موقت می‌تواند با رفع نقایص یا تغییر شرایط مجدداً برنده را به نظر رئیس حوزه قضایی برساند، ولی در مقابل نظریه فوق می‌توان استدلال کرد که با عدم تأیید رئیس دیوان عدالت اداری، دستور موقت صادره اعتباری نخواهد داشت. زیرا اعتبار دستور موقت بر این است که قابلیت اجرایی داشته باشد و چنانچه دستور موقت به لحاظ عدم تأیید رئیس دیوان قابل اجرا نباشد، فاقد اعتبار است.

عدم تأیید دستور موقت از جانب رئیس دیوان عدالت اداری شامل موارد ذیل می‌شود:

(الف) رئیس دیوان مطلقاً موضوع را از مصادیقی که قابلیت صدور دستور موقت داشته باشد، تشخیص نمی‌دهد که در این گونه موارد با عدم تأیید وی اعتبار دستور موقت صادره از بین می‌رود و شعبه تجدیدنظر حق ندارد مجدداً نسبت به همان موضوع دستور موقت صادر کند و به نظر ایشان برساند.

(ب) عدم تأیید دستور موقت توسط رئیس دیوان ناشی از عدم احراز برخی از شرایط صدور دستور موقت در حال حاضر است مانند عدم احراز فوریت، به‌عنوان مثال شاکه به موجب رأی کمیته نظیابطی دانشجویان به محکومیت یک‌ونیم‌سال تحصیلی قابل اجرا از نیمسال نخست سال ۹۳-۱۳۹۲ محکوم شده و تاریخ رسیدگی موضوع پرداخت ماهه سال ۱۳۹۲ یعنی چهار ماه قبل از تاریخ اجرای حکم است، بنابراین در این قبیل موارد فوریت صدور دستور موقت احراز نشده و رئیس دیوان آن را تأیید نکرده است. در این گونه موارد با تحقق شرایط جدید مثلاً با فرارسیدن ماه مهر

دادخواست



رضا معینی

حقوق‌دان استاد دانشگاه

عالم زمان کسه در حد معقول از خصایص طبیعی روند حکامات است در مسائل حاد و حیاتی نقش منفی و مخربی دارد و اقتضای عدالت آن است که در این قبیل امور در حد امکان حذف شود مشروط بر این که با اسباب دادرسی و اجرای عدالت لطمه نزنند. برای حل این مشکل در قضای بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور ما مقررات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است که طبق آن قضات دادگاه‌ها می‌توانند به تقاضای خواهان و تحت‌اطلاعه قبلی جبران به خواهان در ماهیت قضیه نسبت به حفظ حقی که در مخاطره جدی گرفتار شده است، دستور مقتضی صادر کنند و تا تعیین تکلیف ماهوی دعوی از ایجاد عسر و حرج بیاورود خسارت سنگین و احتمالاً قابل جبران به خواهان جلوگیری کنند. دادرسی فوری و دستور موقت خلاف اصول دادرسی و قاعدای استثنایی است که اعمال آن محتاج امر صریح قانون گذار است.

در قانون دیوان مصوب ۱۳۶۰ بحد دستور موقت ساکت بود، ولی در اصلاحات بعدی آن در قانون الحاق ۵ تبصره به مواد ۱۹ و ۱۸، ۱۵، قانون دیوان عدالت اداری در مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۲، تبصره الحاقی به ماده ۱۵ آن دایر بر این بود در مواردی که اجرای تصمیمات و اقدامات مراجع مصرح در ماده ۱۱ این قانون بنا به اعلام شاکه ضمن دادخواست تقدیمی موجب ورود خسارت شود در صورت احراز موضوع، شعبه می‌تواند دستور موقت مبنی بر توقیف عملیات اجرایی را تعیین تکلیف شکایت صادر کند مگر در مواردی که در قانون مستثنی شد.

دستور موقت در شعب بدوی

در ابتدای مراحل تصویب قانون دیوان، اجرای دستور

دستور موقت در هیأت عمومی

در قوانین سابق دیوان عدالت اداری در خصوص این که آیا هیأت عمومی دیوان نیز می‌تواند مابرت به صدور دستور موقت کند یا خیر حکمی وجود نداشت، اما هیأت عمومی در رأی وحدت رویه خود به شماره ۳۲۷ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۲ در هیأت عدالت به «با عنایت به وظایف و مسئولیت‌های خاص هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح مقرر در قانون و این که موضوع شکایت شاکه از جمله تقاضای صدور دستور موقت از موارد صلاحیت هیأت عمومی محسوب نمی‌شود، موردی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به موضوع در هیأت عمومی دیوان وجود ندارد و بر بنده جهت رسیدگی به شعبه سوم دیوان اجرا می‌گردد.»

قانون گذار در ماده ۲۵ قانون دیوان مصوب ۱۳۸۵ صراحتاً مواد رأی اخیر الذکر را این گونه تکرار کرد: «در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی، تقاضای دستور موقت شده باشد، ابتدا بر بنده جهت رسیدگی به تقاضای مزبور به یکی از شعب اجرای می‌شود و در صورت صدور دستور موقت در شعبه مرجع اولیه، بر بنده در هیأت عمومی صدور موقت در آن صورت می‌شود. ملاحظه می‌شود که در این ماده گذار قانون بر آن لازم ندیده و با به کار بردن کلمه (تقاضای تسهیلاتی را برای احراز اجرای دستور موقت فراهم کرده است.